

Love for the Ahl al-Bayt (AS) from the perspective of the Qur'an and Sunnah by explaining the verse of Mawdat

Yousef Moghaddasi^{1*}, Amir Mahmoudi²

1- Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Farhangian University, Shahid Rajaei Campus, Urmia, Iran.

2- Master student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Farhangian University of Urmia, Iran.

Received Date: 2021/03/09

Accepted Date: 2021/07/19

Abstract

One of the important reasons for the tendency of the modern and young generation is the original Islamic teachings. Knowledge that is rooted in the Holy Quran and the manners of the Infallibles (AS). Unfortunately, the skeptical view and its non-institutionalization in the general culture of the society has provided the field for false mystics and their growth to easily propagate their deviant ideas and cause serious damage to the beliefs and morals of the youth. Anas with the Holy Quran is full of the care of God Almighty for "Dhi Al-Qarbi and Ahl al-Bayt (peace be upon them)". According to the authentic and agreed upon hadiths about the Ahl al-Bayt (AS) by the Holy Prophet (PBUH), both in the form of holy hadiths and the prophetic hadiths mentioned in the text of the article, all indicate the need for love for the Ahl al-Bayt by all Muslims. The purpose of this research is to process the love for the Ahl al-Bayt (AS) from the perspective of the Qur'an and the Sunnah of the Holy Prophet (PBUH) by explaining the verse of Mawdat. According to the findings of this article, according to several narrations that have been introduced through the first-hand texts of Shiites and Sunnis, the examples in question of the verse of Mawdat are the same (pure Imams (as)). Therefore, love for the pure Imams and love for those rulers is a religious necessity and a public duty for all Muslims. The method used is library study and the use of Quranic verses and original religious texts in a descriptive-analytical and qualitative manner.

Keywords: Ahl al-Bayt, verse of Mawdat, love, closeness, narrations, Shia, Sunni.

عشق به اهل بیت (ع) از منظر قرآن و سنت با تبیین آیه مودت

یوسف مقدسی^{۱*}، امیر محمودی^۲

۱- استادیار، گروه فقه و حقوق دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فرهنگیان ارومیه، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

چکیده

یکی از علل مهم گرایش نسل نواندیش و جوان، معرفت های اصیل اسلامی است. معرفت هایی که ریشه در قرآن کریم و سیره ی معصومین (ع) دارد. متأسفانه نگاه تردید آمیز و عدم نهادینه شدن آن در فرهنگ عمومی جامعه میدان را برای عرفان های کاذب و رشد آنها مهیا نموده است تا به راحتی عقاید انحرافی خود را تبلیغ نمایند و آسیب جدی به عقاید و اخلاق جوانان وارد نمایند. انس با قرآن کریم مشحون از عنایت خداوند متعال به «ذی القربی و اهل بیت علیهم السلام» است. آیه مودت (شوری/۲۳) نشانه و نماد محبت وافر خداوند متعال به خاندان نبوت است. نظر به احادیث صحیح و مورد وفاق فریقین در مورد اهل بیت (ع) از جانب حضرت رسول اکرم (ص) چه بصورت احادیث قدسی و چه بصورت احادیث نبوی که در متن مقاله آمده است همگی دال بر ضرورت عشق به اهل بیت از سوی همه ی مسلمانان است. هدف ازین تحقیق پردازش عشق به اهل بیت (ع) از منظر قرآن و سنت نبی اکرم (ص) با تبیین آیه مودت است. براساس یافته های این مقاله بنا بر روایات متعددی که از طریق نصوص دست اول اهل تشیع و اهل تسنن وارد شده است مصادیق مورد نظر آیه مودت همانا (ائمه اطهار علیهم السلام) هستند. فلذا عشق به ائمه اطهار و محبت به آن سروران یک ضرورت دینی و وظیفه همگانی بر تمامی مسلمین به شمار می آید. روش به کار گرفته شده مطالعه کتابخانه ای و استفاده از آیات قرآن و متون اصیل دینی به شیوه ی توصیفی-تحلیلی و کیفی است.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت، آیه مودت، عشق، قربی، روایات، شیعه، اهل سنت.

مقدمه

انسان در عالمی زندگی می کند که جلوه گاه خداوند متعال است و جاذبه او اعماق وجود هر موجودی را فرا گرفته است ، و در پرتو همین جاذبه، از بزرگترین پدیده های عالم تا کوچکترین ذره ی آن ، میل درونی به سوی مبدأ اعلی دارند این میل را " ابتهاج " یا " عشق " می نامند و این گونه است که میل خدا جویی و عاشق شدن، ذاتی و فطری هر انسان است .متاسفانه در این موضوع مکاتب و نحله گوناگون عرفانی و انسان شناسی دنبال چند و چون هستند و با استفاده از احساسات نسل جوان دنبال عرفان های کاذب می گردند. ازین جهت معرفی حقایق ناب و راستین اسلام ضرورت و فرض است:

الف: پاسخگویی به نیازها و گرایش های طبیعی و نظری انسان ها به مسائل ذوقی و عرفانی ناب و اصیل ، و تبیین جایگاه عشق به ولایت به معنای صحیح آن و تاثیر فراگیر آن در هدایت جامعه و به ویژه جوانان در یافتن " ذی القربی "

ب: معرفی معارف قرآنی و روائی برای جلوگیری از گرایش موهوم به سمت و سوی عرفان های دروغین قبل از تاثیر گذاری در اذهان آحاد جامعه و جوانانی که به دنبال حقایق جهان هستی هستند.

یکی از علل مهم گرایش نسل نواندیش و جوان خلاء معرفت های اصیل اسلامی است . معرفت هایی که ریشه در قرآن کریم و سیره ی معصومین (ع) دارد و در طول تاریخ اسلام با آثار ارزشمند بزرگانی چون محی الدین عربی و ملاصدرا و علامه سید حیدر آملی و امام خمینی ومولوی بارور شده اند .

یکی از علل مهم گرایش نسل نواندیش و جوان ، معرفت های اصیل اسلامی است . معرفت هایی که ریشه در قرآن کریم و سیره ی معصومین (ع) دارد. متاسفانه نگاه تردید آمیز و عدم نهادینه شدن آن در فرهنگ عمومی جامعه میدان را برای عرفان های کاذب و رشد آنها مهیا نموده است تا به راحتی عقاید انحرافی خود را تبلیغ نمایند و آسیب جدی به عقاید و اخلاق جوانان وارد نمایند.

قرآن کریم منشور و قانون اساسی مسلمانان جهان است که مشحون از معارف بلند اعتقادی، اخلاقی و فقهی است خداوند متعال در آیات نورانی قرآن کریم افزون بر هدایت کردن مستقیم بندگان، آنها را به حجت های خود در روی زمین و بندگان برگزیده خود نیز ارجاع داده است.از سوی دیگر از مسلمات قرآنی ای میان مسلمانان این است که پیامبران هرگز در مقابل سختی هایی که در امر رسالت دین دیدند، از مردم اجر و مزدی نخواستند.با وجود این، خداوند متعال در آیه بیست و سوم سوره شوری به پیامبر اکرم(ص)

فرمان می‌دهد تا این پیام را به مسلمانان ابلاغ کند که هیچ مزدی از آنها نمی‌خواهد مگر مودت نسبت به نزدیکان پیامبر.

انسان باید نسبت به پیامبر الهی، از آن جهت که حلقه رابط میان انسان و خداست و پیام‌های نجات‌بخش و کمال‌آفرین را از سوی حضرت حق به انسان‌ها تقدیم می‌کند، مهر بورزد. در واقع این محبت مؤید ایمان فرد است، چون نمی‌توان مدعی محبت کسی شد، اما نسبت به فرستاده او مهر نوزید. بر این اساس است که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: (لا یومن احدکم حتی اکون احب الیه من ولده و والده و الناس اجمعین) «هیچ یک از شما به مرحله ایمانی نمی‌رسد، جز این که مرا از فرزند، پدر و مادرش و همه مردم بیش‌تر دوست بدارد» (متقی هندی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۳۷)

برای تبیین بهتر موضوع می‌بایست به سوالات اساسی بعنوان مسئله پاسخ تحقیقی داده باشیم. فلذا طرح بحث با این سوالات بی‌گرفته می‌شود:

- آیا درخواست اجرت در آیه مودت مؤید آیات دیگر قرآن است و یا منافی با محتوای قرآن؟

- حقیقت معنای «مودت فی القربی» در آیه شریفه چیست؟

- چرا عشق به اهل بیت موجبات ایجاد مودت در میان مسلمین را فراهم می‌کند؟

آیه مودت

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿شوری/۲۳﴾

این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد. بگو: «من هیچ‌گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم (اهل بیت) و هرکس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و قدردان است

شان نزول آیه مودت

مفسران فریقین برای آیه مودت شأن نزول‌های متعدد بیان کرده‌اند. روشن است که در دسترس بودن شأن نزول آیات، نقش بسزایی در فهم آیه و تعیین مصداق‌های آن دارد. تمام مفسران مکتب اهل بیت و

بسیاری از مفسران اهل سنت از طریق سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده‌اند که پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه و بنیان پایه‌های استوار اسلام و جامعه نو بنیاد اسلامی، انصار گرد آمدند و درباره اداره نظام اسلامی گفت و گو کردند. آنان تصمیم گرفتند نزد رسول اکرم (ص) بروند و بگویند: اگر برای پیشرفت اسلام و اداره جامعه نو بنیاد خویش نیاز اقتصادی و مالی داشته باشید، همه ثروت و امکانات ناچیز ما در اختیار شماست. هرگونه مصلحت بدانید و در آن تصرف کنید که سبب افتخار ما است. آنان با این اندیشه به محضر حضرت شرفیاب شدند و سخن خود را بر زبان آوردند. درست در آن هنگام بود که فرشته وحی خود فرود آمد و این آیه شریفه را آورد: «... قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا مَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شوری/۲۳) «من از شما در برابر تبلیغ رسالت جز مودت قریبی اجری نمی طلبم». پیامبر اکرم (ص) آیه را بر مردم تلاوت کرد و فرمود: «شما پس از این، نزدیکان و خاندانم را دوست بدارید.» (آلوسی/۱۴۱۵/ص ۲۶۵). آنگاه یاران از حضور پیامبر (ص) در حالی رفتند که فرمانبردار خدا و رسول او بودند، ولی گروهی از منافقان گفتند: این آیه، وحی نیست، پیامبر خود همان جا نشست و ساخت و تلاوت کرد، هدفش آن است که پس از خود، ما را زیر سلطه خاندان و نزدیکانش درآورد. پس از این دروغ‌پردازی منافقان بود که این آیه آمد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا...» (شوری/۲۴) «آیا مشرکان می‌گویند پیامبر (ص) بر خدا دروغی بسته است؟ پیامبر اکرم (ص) بی درنگ به سراغ آنان فرستاد و آیه را بر آنان تلاوت کرد. انصار به گریه افتادند و این رویداد بر آنان بسیار گران آمد. چرا که برخی منافقان چنین اهانتی روا داشته بودند. درست در اینجا بود که آیه سوم فرود آمد:

«وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...» (شوری/۲۵) «خدا آن است که توبه بنده خویش را قبول می‌کند.»

حضرت دوباره به سراغ آنان فرستاد و به ایشان نوید داد که خدا توبه گناهکاران را می‌پذیرد و دعای ایمان آورندگان را به هدف اجابت می‌رساند.

اهمیت و ضرورت محبت و مودت به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او محبت به پیامبر الهی و خاندانش، محبتی در عرض مهرورزی نسبت به خدا نیست، بلکه در طول حب به خداوند است. پیامبر (ص) در کلام گهربارش متذکر این امر شده و به مؤمنان دستور داده است، مرا دوست داشته باشید، منتها باید دقت داشته باشید، دوستی من در عرض دوستی خدا نباشد، بلکه مرا از آن جهت که مطیع و مجری فرمان‌های الهی و

محبوب او هستم، دوست بدارید (مرا به خاطر خدا دوست داشته باشید). در ادامه می فرماید: اهل بیت مرا از آن جهت که ادامه دهنده راه من و محبوب من هستند، دوست بدارید (ری شهری ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۳۶).

انسان باید نسبت به پیامبر الهی، از آن جهت که حلقه رابطه میان انسان و خداست و پیام های نجات بخش و کمال آفرین را از سوی حضرت حق به انسان ها تقدیم می کند، مهر بورزد. در واقع این محبت مؤید ایمان فرد است، چون نمی توان مدعی محبت کسی شد، اما نسبت به فرستاده او مهر نورزید. بر این اساس است که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «هیچ یک از شما به مرحله ایمانی نمی رسد، جز این که مرا از فرزند، پدر و مادرش و همه مردم بیش تر دوست بدارد.» (علاءالدین الهندی، ۱۴۳۱، ج ۱، حدیث ۷۰، ص ۳۷) و در حدیث دیگری فرمود: «سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست، هیچ یک از شما به مرحله ایمان نمی رسد، مگر آن که محبت او نسبت به من، از پدر و فرزندش بیش تر باشد (متقی ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۳۸). از حضرت علی (ع) سؤال شد، دوستی شما نسبت به رسول خدا (ص) چگونه بود؟ فرمود: «به خدا سوگند، او نزد ما از تمام مال و ثروتمان، فرزندان، مادران، پدرانمان و از آب سرد گوارا در حال تشنگی، محبوب تر بود.» (ناظم زاده قمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰). محبت اهل بیت (ع) نیز مورد تأیید خداست، زیرا بنا بر فرمایش مولای متقیان علی (ع)، آن ها ویژگی هایی دارند که مورد تأیید حضرت حق است: «اهل بیت پیامبر (ص) ستون های اسلام و پناهگاه چنگ زندگان به دامانشان هستند. به واسطه آنهاست که حق در مدار خود قرار می گیرد و باطل از جایش ریشه کن و زبانش از بیخ قطع می شود. آنان کسانی هستند که دین را از روی نگه داشتن و به گوش دل گرفتن یافته اند، نه از روی شنیدن و روایت کردن. آنان گنج های ایمان و معدن های احسان هستند. اگر داوری کنند، به عدالت باشد و اگر دلیل و برهان آورند، مورد دشمنی قرار گیرند.» (ناظم زاده قمی، ۱۳۸۷، ص ۷۴). بر اساس فرمایش امیر مؤمنان (ع) در نهج البلاغه: «راز پیامبر بدان ها [اهل بیت] سپرده شده است و هر که آنان را پناه گیرد، به حق راه برده است. مخزن علم پیامبرند و احکام شریعت او را بیانگر، قرآن و سنت نزد آنان در امان. چون کوه افراشته، دین را نگهدارند. پشت اسلام به آن ها راست و ثابت و پابرجاست.» (شهیدی، ۱۳۹۸، خطبه ۲، ص ۷۴). بر اساس فرمایش علی (ع)، اهل بیت دارای برترین مقام و معیار، و ملاک حقانیت هستند: «و از این امت کسی را با خاندان رسالت همپایه نتوان پنداشت، و هرگز نمی توان پرورده نعمت ایشان را در رتبت آنان داشت که آل محمد (ص) پایه دین و ستون یقینند. هر که از حد در گذرد، به آنان بازگردد و آن که وامانده، بدیشان پیوندد. حق ولایت

خاص ایشان است و میراث پیامبر مخصوص آنان.» (شهیدی، ۱۳۹۸، خطبه ۲، ص ۷۴). در موضع دیگر نهج البلاغه، حضرت علی (ع) درباره منزلت والای اهل بیت می فرماید: «ما خاصگان و یاران و گنجوران نبوت و درهای رسالتیم. در خانه ها جز از درهای آنها نتوان وارد شد و آن که جز از در خانه درآید، کسی که خداوند را محبوب بالذات خویش قرار داده است، باید دقت کند، سفره دل خویش را در مواضع نامناسب نگستراند. بدین خاطر است که مولای متقیان علی (ع) فرمود: مبادا محبت و دوستی‌ات را در غیر محل خود به کاربری (شهیدی، ۱۳۹۸، خطبه ۲، ص ۱۵۴).

آثار محبت به اهل بیت

اتحاد ارواح مؤمنان محب با ارواح اهل بیت: انسان های مؤمن هر چه بیش تر خویش را از ناپاکی ها و گناهان دور نگه دارند و زنگارهای غفلت را از آینه دل خویش بزدایند و در راه مستقیم هدایت گام بردارند، هم محبت آن ها به اهل بیت بیش تر می شود و هم آثار این محبت فزون تر می گردد. چون محبت انسان نسبت به محبوب در گام نخستین انسان را به سوی مشابعت و همشکلی با محبوب سوق می دهد و انسان سعی می کند، گفتار و کردارش مشابه و هم سنخ با گفتار و کردار محبوبش باشد. افزایش مشابعت و همشکلی ارواح مؤمنان با اهل بیت کم کم آن ها را به سوی انجذاب و اتحاد با ارواح اهل بیت، سوق می دهد. این انجذاب و اتحاد باعث می شود که مؤمنان از آثار و برکات ارواح مطهر آن ها بهره مند شوند. اگر بخواهیم این معنا را در قالب تمثیلی بیان کنیم، می توانیم بگوییم: ارواح مؤمنان مثل نور ضعیفی است که درجه و شدت روشنایی آن خیلی کم و از تیرگی های زیادی برخوردار است. در حالی که ارواح اهل بیت مثل نور واحدی، بسیار روشن و کامل است و هیچ گونه ضعف و تیرگی در آن نیست. حال هرچه قدر این نور ضعیف به نور کامل نزدیک تر شود و آن وحدت بیش تر یابد و در آن مستغرق باشد، به هر اندازه که غلبه و احاطه نور کامل به آن بیش تر باشد، نور ضعیف از روشنی نور کامل بیش تر برخوردار خواهد شد (شجاعی/ ۱۳۷۹/ ج ۲/ ص ۱۱۷ و ۱۱۸).

هدایت مردم به سوی خدا (قرب به خدا)

خداوند به صورت صریح، پاداش رسالت پیامبر گرامی اسلام را «موده فی القربی» معرفی کرده است و می فرماید: «ذلک الذی یشیر الله عباده الذین ءامنوا و عملوا الصالحات قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی و من یقترب حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور» (شوری/ ۲۳). این همان چیزی است که

خداوند بندگانش را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند، به آن نوید می دهد: «بگو من هیچ پاداشی از شما برای رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس عمل نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزایم؛ چرا که خداوند آمرزنده و شکرگذار است.

نجات از گمراهی

بنابر فرمایش پیامبر، تأثیری که محبت اهل بیت در تکمیل ایمان مؤمنان و رهایی از عوامل ضلالت بخش دارد، آن ها را به جایگاه رفیعی می رساند که فقط شهیدان راه حق و حقیقت از آن برخوردارند. از نظر پیامبر گرامی اسلام (ص)، همان طور که محبت اهل بیت در تکمیل ایمان انسان و نجات او از گمراهی تأثیر فراوانی دارد، میزان دشمنی نسبت به اهل بیت نیز در پیمودن سیر قهقراپی و گمراهی تأثیر سترگی دارد و اگر فردی به این دشمنی ادامه دهد. و با همین حال از دنیا برود مثل کسی است که کافر از دنیا رفته است. (طبرسی / ۱۳۵۲ / ص ۶۶۹ ص ۶۷۰).

آثار اخروی محبت به اهل بیت

محبت به اهل بیت، علاوه بر آثاری که ذکر شد، آثار اخروی متعددی دارد. پیامبر گرامی اسلام در حدیث های متعدد، آثار مثبت اخروی محبت به اهل بیت را به مسلمانان گوشزد کرده است. بر اساس فرمایش ایشان، یکی از آثار اخروی محبت به اهل بیت این است که هر کس بر حب آل محمد از دنیا برود، خداوند گناهان او را می بخشد و عفو می کند. پیامبر در حدیثی دیگر می فرماید: «هر کس که دوستدار اهل بیت باشد و در چنین موقعیتی از دنیا برود، مثل کسی است که از گناهان خویش توبه کرده است. پیامبر (ص) در حدیث دیگری به طور خلاصه می فرماید: «محبت امتم نسبت به من و اهل بیتم، در هفت موضع بسیار مهم برای آن با مفید است. این مواضع هفتگانه عبارتند از: هنگام وفات، داخل قبر، هنگام برانگیخته شدن از قبر، نزد کتاب و هنگام حسابرسی به اعمال و نزد میزان در پل صراط. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۰، ص ۴۱۳). آیاتی که درباره پاداش رسالت پیامبر اسلام (ص) سخن می گویند.

اگر ما در این دسته آیات تأمل کنیم، مشاهده می کنیم، خداوند درباره اجر و مزد رسالت پیامبران سه

تعبیر متفاوت دارد.

در یک موضع قرآن می فرماید: «قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم ان اجرى الا على الله» (فرقان/۵۷): ای پیامبر بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام، برای خود شماست. اجر من تنها بر خداوند است. در این آیه، درباره «فهو لکم» دو تفسیر وجود دارد:

تفسیر اول این است که به طور مطلق، هیچ اجری نمی خواهم. مثل این که ما می گوییم: «من هر چه از تو خواسته ام، مال خودت»؛ کنایه از این که چیزی از تو نخواسته ام. شاهد این سخن، جمله بعد از آن است که می گوید: «ان اجرى الا على الله». بر اساس تفسیر دوم، اجر و پاداشی که از شما می خواهم، در واقع به خود شما بازگشت می کند.

در موضع دیگری، قرآن درباره پاداش رسالت پیامبر (ص) می فرماید، «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربى» در این مورد نیز در واقع سود به خود شما می رسد، زیرا که مودت ذوی القربى به مسأله امامت و ولایت بر می گردد که تداوم خط نبوت است و برای هدایت شما ضرورت دارد. شاهد این سخن شأن نزولی است که بعضی در این جا نقل کرده اند و گفته اند، وقتی آیه «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربى» (شوری/۲۳) نازل شد، پیامبر (ص) به مشرکان مکه فرمود: خویشاوندان مرا ناراحت نکنید. آن ها نیز این پیشنهاد را پذیرفتند. اما هنگامی که پیامبر از بت های آن ها بدگویی کرد، گفتند: محمد منصفانه با ما رفتار نمی کند. از یک سو از ما می خواهد خویشاوندانش را آزار ندهیم، ولی از سوی دیگر با بدگویی از خدایانمان ما را آزار می دهد. در این جا آیه «قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم» نازل شد که در آن آمده است: به آن ها بگو، آنچه من در این باره از شما خواستم، به نفع خود شما بود. حال می خواهید آن ها را آزار بکنید یا نکنید.» و در پایان آیه می فرماید: «و هو على كل شى شهيد.» یعنی اگر من پاداشم را از او می خواهم، به خاطر آن است که او از همه اعمال و نیات من آگاه است. ۳- در جای دیگری، قرآن درباره اجر و مزد رسالت پیامبر (ص) چنین می فرماید: «قل ما استلکم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلا» (سباء/۴۷) یعنی: ای پیامبر بگو: من در برابر ابلاغ این آئین هیچ گونه پاداشی از شما مطالبه نمی کنم. تنها اجری که می خواهم این است که مردم راهی به سوی پروردگارشان برگزینند. یعنی تنها اجر و پاداش من هدایت شماست؛ آن هم از روی اراده و اختیار، نه اکراه و اجبار. این تعبیر جالبی است که نهایت لطف و محبت پیامبر را نسبت به پیروانش می رساند. چرا که اجر و پاداش خود را سعادت و خوشبختی آن ها و رهنمون کردنشان به سوی خدا می شمرد. اگر در این آیات تأمل کنیم، در می یابیم که

میان این تعبیرهای گوناگون ناسازگاری وجود ندارد. در برخی مواضع، قرآن به طور کلی تقاضای اجر و پاداش از بشر را نفی می‌کند و می‌فرماید: «پاداش رسالت پیامبران به عهده حضرت حق است.» در جای دیگری نیز می‌فرماید: «من تنها از کسی پاداش می‌خواهم که راهی به سوی خدا می‌جوید.» در آیه دیگری می‌فرماید: «پاداشی را که از شما خواسته ام، برای خود شماست.» بالاخره در آیه «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی» می‌فرماید: «مودت در قریبی پاداش رسالت من است؛ یعنی من پاداشی از شما خواسته ام که نفعش عاید من نمی‌شود، بلکه صد درصد به خود شما برمی‌گردد و اسباب هدایت شما به سوی خدا و قرب به او را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی این آیه که نقش مهمی در تعیین دلالت آن دارند عبارتند از:

۱- مودت

لغت‌نویسان بر این نکته تصریح کرده‌اند که مودت از ماده «وَدَّ» به معنای محبت داشتن نسبت به چیزی است. (سلمی/۱۳۶۹/ص ۶۹). در این میان، راغب اصفهانی افزون بر معنای پیش‌گفته، «آرزو داشتن» را نیز یکی از معانی «ود» دانسته است. وی بر این باور است که این واژه در هر دو معنا به کار می‌رود، زیرا تمنی آرزو داشتن و دریافت کردن چیزی است یا در برگیرنده معنای دوستی است و خواستن و تمایل شدید به دست آوردن چیزی است که دوستش دارند. (راغب اصفهانی/۱۳۷۴/ص ۱۶۹). پس «وَدَّ» یعنی دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن، و در هر یک از اینها استعمال می‌شود، زیرا آرزو، خود معنای دوست داشتن را بردارد و آرزو، همان میل به دست آوردن چیزی است که آن را دوست می‌دارد. ۲- قریبی قریبی در اصل مصدر و از ریشه «قرب» است و بنابر تصریح برخی لغت‌نویسان، قرب نقیض «بعد» می‌باشد، از این رو قرب به معنای نزدیکی و بعد به معنای دوری است. «قرب الشیء» یعنی نزدیکی به آن و «القرباء» و «القربی» نزدیکی در نسب و خویشاوندی رحمی است. (طریحی/۱۳۷۵/ص ۳۶۲). راغب اصفهانی نیز با پذیرش این معنا تأکید می‌کند که قرب در قرب مکانی، زمانی، نسبی، مقام و منزلت و قرب روحانی به کار می‌رود.

مصدق «قربی»

مهم ترین پرسش در آیه مودت این است که مصداق «القربی» چه کسانی هستند؟ مهمترین اختلافی که بین مفسران اهل سنت و شیعه وجود دارد، پاسخ همین پرسش است که شیعه با ادله متعدد معتقد است که مراد از «القربی» اهل بیت علیهم السلام که مصداق‌های بارز آن حضرت علی(ع)، فاطمه (س)، حسن(ع) و حسین(ع) و نه امام پس از امام حسین(ع) هستند که از فرزندان ایشان می‌باشند. ولی اهل سنت تأویلات متعددی به میان آورده‌اند که هیچ کدام دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد. مفسران مکتب اهل بیت، از شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی و ... همه اتفاق نظر دارند که مصداق آیه مودن اهل بیت هستند.

علامه حلی در کتاب شریف «نهج الحق» عنوان «آیه المودة» را در مورد این آیه به کار برده و آن را چهارمین آیه دال بر امامت حضرت علی(ع) قرار داده و در ذیل آن از ابن عباس نقل کرده‌اند که فرمود: وقتی آیه مودت نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، خوششانی که مودتشان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام و جوب مودت مستلزم اطاعت است.

الف) روایات شیعه در باره تفسیر آیات مودت

دانشمندان شیعه به بسیاری از روایات اهل بیت استدلال کرده‌اند و روایات زیادی را نیز از منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت گرد آورده‌اند. که همه آنها آیه مودت را در شأن اهل بیت دانسته‌اند و با توجه به منابع مکتب اهل بیت روایات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. (فراهِیدی / ۱۴۰۹ / جلد ۴ / ص ۸۹)

۱- اهل بیت، مصداق آیه مودت

از امام سجاد علیه السلام راجع به آیه مودت سوال شد، حضرت در این باره فرمود: «هی قرابتنا اهل البیت من محمد (ص) (زمخشری / ۱۳۸۹ / جلد ۱ / ص ۲۹۶).

۲- اصحاب کساء، مصداق آیه مودت، امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«این آیه در شأن ما اهل بیت اصحاب کساء نازل شد.» (مجلسی / ۱۴۰۳ / ق / ص ۳۱۹)

۳- ائمه هدی، مصداق آیه مودت

در دیگر روایات تمام ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مصادیق این آیه به شمار آمده‌اند، چنانکه امام باقر علیه السلام به این مطلب تصریح کرده‌اند. (فرات الکوفی / ۱۴۱۰ / ق / ص ۱۸۳). گفتنی است که این روایات با یکدیگر سازگار بوده و هیچ تنافی‌ای با هم ندارند، چرا که در روایات دسته نخست، اهل بیت پیامبر - با همین عنوان کلی - به عنوان مصادیق قربی یاد شده‌اند. در دسته دوم و سوم نیز با روشن کردن

مصادیق آن عنوان کلی - یعنی ائمه اطهار علیهم السلام به اضافه حضرت زهرا سلام الله علیها - مقصود و مصادیق واقعی آن تبیین می‌شوند.

ب) روایات اهل سنت در باره تفسیر آیات مودت

آیه مودت یا اجر رسالت را تمام مفسران شیعه به عنوان فضیلتی برای اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) ذکر می‌کنند. علاوه بر مفسران شیعه، بسیاری از مفسران اهل سنت نیز در تفاسیر خود صریحاً به این مطلب اذعان داشته‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) در برابر اجر رسالتش، تنها دوستی و محبت و محبت اهل بیتهش را از امت خواست.

• سیوطی در الدر المنثور در ذیل آیه مورد بحث از مجاهد از ابن عباس چنین نقل می‌کند: منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید و آنها را به سبب من دوست بدارید. (سیوطی/۱۴۰۴/ ج ۳/ ص ۹۴).

در بعضی از روایات کتب اهل سنت از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) چنین آمده: «النجم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیته امان لامتی من الاختلاف فی الدین» ستارگان امان برای اهل زمینند از غرق شدن، و اهل بیت من امان امتند از اختلاف در دین (مستدرک حاکم ۱۴۹ از ابن عباس نقل کرده است. نقل از کتاب سیره ی عملی اهل بیت ۴۰)

• ابن جریر طبری - در تفسیرش با سند خود از سعید بن جبیر و با سند دیگری از عمر و بن شعیب نقل می‌کند که منظور از این آیه، نزدیکان رسول خدا می‌باشند (طبری/۱۳۷۱/ ج ۱۵/ ص ۱۰۲)

• سیوطی - در «الدر المنثور» از ابن جریر ابی الدیلم چنین نقل می‌کند: هنگامی که علی بن الحسین (علیه السلام) را به اسارت آوردند و بر دروازه دمشق نگهداشتند مردی از اهل شام گفت: الحمد لله الّذی قتلکم و استاصلکم! خدا را شکر که شما را کشت و ریشه کن ساخت. علی بن الحسین (علیه السلام) فرمود:

آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت: آری... فرمود: آیا این آیه را نخوانده‌ای: (قل لا استلکم علیه اجر الا الموده فی القربى) گفت: آیا شما همان‌ها هستید که در این آیه اشاره مصادیق آل محمد در نگاه فخر رازی آمده است:

امام فخر رازی در مصداق «آل محمد» می‌گوید آل محمد کسانی هستند که انتساب به پیامبر اکرم داشته باشند هر کس نسبت او با پیغمبر بیشتر و کامل‌تر باشد او جزء خاندان است، شکی نیست در این‌که فاطمه (ع) و علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) انتساب شان به پیغمبر بسیار زیاد بود این مطلبی است آشکار و غیر قابل انکار پس آن‌ها آل پیامبرند. بعضی در معنی آل اختلاف کرده‌اند، گروهی می‌گویند آل فقط بستگان پیامبرند و بعضی قائل‌اند آل محمد امت او هستند. اگر آل را به خویشاوندان اختصاص دهیم باز فاطمه زهرا (ع) و علی مرتضی (ع) آل پیامبرند. اگر بگوئیم آل عبارت است از کسی که دعوت پیامبر را بپذیرد باز آن‌ها آل هستند. در این صورت در هر فرض آن‌ها آل محمدند اما دیگران آیا مشمول لفظ آل می‌شوند یا نه این مسأله اختلافی است. این مطلب ثابت شد که در هر صورت آن‌ها آل محمدند. صاحب کشف: روایت کرده که چون این آیه نازل شد. عرض کردند یا رسول الله این خویشاوندان شما که باید پاس آن‌ها را به محبت بداریم چه کسانی هستند فرمود: علی (ع)، فاطمه (ع) و دو فرزندش (رازی/۱۳۷۸/ج ۱۲/ص ۴۰۱)

پس ثابت شد که این چهار نفر از خویشاوندان نزدیک پیامبرند وقتی این مطلب مسلم شود لازم می‌آید که این‌ها امتیاز احترام بیشتری داشته باشند
به چند دلیل:

دلیل اول - آیه شریفه *إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ*، دوم وقتی ثابت شد که پیامبر اکرم (ص) فاطمه زهرا را دوست می‌داشت و فرمود فاطمه پاره تن من است مرا ناراحت می‌کند آنچه موجب ناراحتی او شود و با نقل متواتر ثابت شده که رسول اکرم (ص) حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را دوست می‌داشت؛ به همین دلیل بر امت نیز محبت آن‌ها واجب می‌شود. به ضمیمه آیه شریفه *«وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»* (اعراف/۳۵) از پیامبر پیروی کنید شاید رستگار شوید و آیه *«فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ»* (نور/۶۳) پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند و آیه *«إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»* (آل عمران/۳۱) اگر خدا را دوست دارید، پیروی از من کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد و آیه شریفه *«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ»* (احزاب/۲۱) هر که امیدوار به خداست باید از رفتار پیامبر پیروی کند.

شافعی معتقد است اگر محبت آل محمد (ص) رفض و ترک دین خداست، همه جن و انس شهادت دهند که من رافضی هستم. (رازی/۱۳۷۸/ج ۱۲/ص ۴۰۲).

* کوثر الرسول

«کوثر» به معنی «خیر و برکت فراوان» است. بسیاری از بزرگان یکی از روشن‌ترین مصداق‌های آن را وجود مبارک «فاطمه زهرا» (ع) دانسته‌اند، چراکه شأن نزول آیه می‌گوید: آن‌ها پیغمبر اکرم (ص) را متهم می‌کردند که بلا عقب است، قرآن ضمن نفی سخن آن‌ها می‌گوید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» ما به تو کوثر دادیم. از این تعبیر به دست می‌آید که این «خیر کثیر» همان فاطمه زهرا (ع) است، زیرا نسل و ذریه پیامبر (ص) به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت، نسلی که نه تنها فرزندان جسمانی پیغمبر بودند، بلکه آیین او و تمام ارزش‌های اسلام را حفظ کردند و به آیندگان ابلاغ نمودند. «امام فخر رازی» در ضمن تفسیرهای مختلف کوثر می‌گوید: «قول سوم این است که این سوره به‌عنوان رد بر کسانی نازل شده که عدم وجود اولاد را بر پیغمبر اکرم (ص) خرده می‌گرفتند، بنابراین معنی سوره این است که خداوند به او نسلی می‌دهد که در طول زمان باقی می‌ماند، بین چه اندازه از اهل بیت را شهید کردند، در عین حال جهان مملو از آن‌هاست، این در حالی است که از بنی امیه شخص قابل ذکری در دنیا باقی نماند، سپس بنگر و بین چقدر از علمای بزرگ در میان آن‌هاست؛ مانند باقر و صادق و رضا و نفس زکیه» (رازی/۱۳۷۸/ج ۱۷ ص ۳۲).

در این جا چند نمونه از روایات در منابع اهل سنت و شیعه، که نشان می‌دهد منظور از «قربی» اهل بیت و نزدیکان و خاصان پیامبرند، را نقل می‌کنیم.

۱. روایت ابن عباس: احمد بن حنبل با سند متصل از ابن عباس چنین روایت می‌کند: «هنگامی که آیه «قل لا اسئلكم...» نازل شد اصحاب عرض کردند ای رسول خدا! خویشاوندان تو که مودت آنها بر ما واجب است کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندانشان. این سخن را سه بار تکرار فرمود.» (ابن حنبل/۱۴۳۳/ق/ص ۱۳۶)

از این روایت به خوبی روشن می‌شود که برای مسلمانان آن زمان معلوم بوده مقصود از «القربی» در این آیه کریمه، خویشان نزدیک نبی اکرم (ص) است و سؤال آنان از تعیین افراد آن بوده است و از این که حضرت در پاسخ سؤال آنان در مقام بیان افرادی از خویشاوندان خود، که در این آیه منظورند، فقط همان چهار نفر مراد بوده‌اند و به اصطلاح، روایت، به اطلاق مقامی دلالت می‌کند که جز آن چهار نفر هیچ یک

از خویشاوندان حضرت که در آن زمان زندگی می‌کرده‌اند، مشمول این آیه کریمه نبوده‌اند، زیرا اگر غیر از آنان شخص دیگری از افراد موجود در آن زمان مراد می‌بود، پیامبر (ص) نام او را نیز ذکر می‌کرد.

۲. «سیوطی» در کتاب معروف «درالمنثور» در ذیل آیه از ابن عباس نقل کرده که پیامبر اکرم (ص) در تفسیر آیه «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» فرمود: «ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی» «منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید، و آنها را به سبب من دوست بدارید.» (سیوطی/۱۴۰۴/ج ۳/ص ۱۰۴)

۳. ابن جریر طبری در تفسیرش با سند خود از سعید بن حبیر و با سند دیگری از عمر بن شعیب نقل می‌کند که منظور از این آیه نزدیکان رسول خدا می‌باشد.

۴. حاکم حسکانی که از مفسران و محدثان معروف اهل سنت در کتاب «شواهد التنزیل» از ابی امامه باهلی چنین نقل می‌کند: پیامبر اسلام (ص) فرمود:

«خداوند انبیاء را از درختان مختلفی آفرید، ولی من و علی (ع) را از درخت واحدی، من اصل آن و علی شاخه آن، فاطمه موجب باروری آن است، و حسن و حسین علیهم السلام میوه‌های آن، و شیعیان ما برگ‌های آن هستند اگر کسی خدا را در میان صفا و مروه هزار سال و سپس هزار سال و از آن پس هزار، عبادت کند ... اما محبت ما را نداشته باشد. خداوند او را با صورت در آتش می‌افکند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «قل لا اسئلكم اجرا...» (حسکانی/۱۳۸۰/ج ۲/ص ۲۰۳).

مفهوم آیه

پس از توضیح واژگان کلیدی این آیه و تعیین مصادیق حقیقی این آیه نوبت به تعیین مراد و مدلول این آیه می‌رسیم. با وجود اینکه در تعیین مصادیق مورد نظر این آیه از روایاتی که از طریق اهل سنت رسیده است، نیز استفاده کردیم، اما مفسران اهل سنت در تعیین مراد این آیه با مفسران شیعه هم‌عقیده نیستند. ابتدا دیدگاه مفسران اهل سنت را بیان کرده و آنگاه به ارائه دیدگاه حق می‌پردازیم.

دیدگاه مفسران اهل سنت

دست‌کم دو نظریه را می‌توان در میان مفسران اهل سنت ملاحظه کرد:

الف. دیدگاه اول: پیامبر خدا (ص) از طریق نسبی با قبایل قریش ارتباط داشت و از طریق سببی (ازدواج) با بسیاری از قبایل دیگر، و از طریق مادر با جمعی از مردم مدینه از قبیله بنی النجار، و از طرف مادر

رضاعی به قبیله بنی سعد. حال منظور از این آیه این است که اگر حق نبوت مرا به نبوت قبول ندارید، لااقل حق خویشاوندی مرا نسبت به خود محفوظ دارید، و بخاطر اینکه با اکثر قبایل شما رابطه خویشاوندی دارم مرا آزار ندهید (طبری/۱۴۱۲ق/ج/۱۶ص/۲۲).

در بررسی این دیدگاه باید گفت که سیاق آیه تاب چنین معنایی را ندارد، چرا که درخواست اجر رسالت از کسانی است که رسالت او را پذیرا شده‌اند، و هر گاه کسانی رسالت را پذیرا شوند دیگر نیازی به این بحث‌ها نیست، آنها پیامبر (ص) را به عنوان فرستاده الهی احترام می‌گذارند، احتیاجی ندارد که به خاطر قرابت و خویشاوندیش او را محترم بشمرند، چرا که احترام ناشی از قبول رسالت ما فوق همه اینها است، در واقع این تفسیر را باید از اشتباهات بزرگی شمرد که دامان بعضی از مفسران را گرفته و مفهوم آیه را به کلی مسخ کرده است. (مکارم شیرازی/۱۳۸۰/ج/۲۰ص/۴۰۸).

ب. دیدگاه دوم: منظور این است که اجر و پاداش رسالت دوست داشتن اموری است که شما را به «قرب الهی» دعوت می‌کند. به دیگر بیان مقصود این است که با انجام امور شایسته به من محبت ورزیده تا به خدا نزدیک شوید. این تفسیر نیز با ظاهر آیه سازگار نیست، زیرا در این صورت معنی آیه چنین می‌شود که از شما می‌خواهم که اطاعت الهی را دوست بدارید، و مودت آن را به دل بسپارید، در حالی که باید گفته شود من از شما اطاعت الهی را می‌خواهم نه مودت اطاعت الهی. (سلمی/۱۳۶۹/ج/۱ص/۵۳).

دیدگاه شیعه: با توجه به آنچه که از تبیین واژگان آیه به دست آمد، روشن می‌شود که خداوند متعال در این آیه مودت «قربی» را به عنوان مزد رسالت پیامبر اکرم (ص) قرار داده است. با توجه به سیاق آیه و تأمل در روایات همچنین می‌توان به این نکته رسید که مودت «قربی» به عنوان یک وظیفه واجب برای یکایک مسلمانان است، چنانکه امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند: «هی والله فریضة من الله علی العباد لمحمد صلی الله علیه وآله فی اهل بیته». (مکارم شیرازی/۱۳۸۰/ج/۲۰ص/۴۰۸)

«به خدا سوگند مودت به محمد (ص) و اهل بیتهش از جانب خدا بر بندگان واجب است.» همچنین دقت در آیه روشن می‌سازد که محبت آنها وسیله‌ای برای قبول امامت و رهبری ائمه معصومین علیهم السلام از دودمان آن حضرت، و پشتوانه‌ای بر ادای رسالت است.

توضیح آنکه در بسیاری از آیات قرآن مجید می‌خوانیم: پیامبران می‌گفتند پاداشی از شما در برابر دعوت رسالت نمی‌خواهیم، و پاداش ما تنها بر پروردگار عالمیان است «ما أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۱۰۹) در مورد شخص پیامبر اسلام نیز تعبیرات مختلفی دیده می‌شود: در یک جا می‌گوید

«قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ» (سبأ/۴۷)

«بگو پاداشی را که از شما خواستم تنها به سود شما است اجر و پاداش من فقط بر خداوند است.» و در جای دیگر می‌خوانیم:

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مِنْ شَاءِ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ سَبِيلًا» (فرقان/۵۷) «بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچگونه پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم، مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.»

و بالاخره در مورد دیگری می‌گوید:

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص/۸۶) «من از شما پاداشی نمی‌طلبم و چیزی بر شما تحمیل نمی‌کنم.»

هر گاه این آیات سه‌گانه را با آیه مورد بحث در کنار هم بگذاریم نتیجه‌گیری کردن از آن آسان است: در یک جا به کلی نفی اجر و مزد می‌کند. در جای دیگر می‌گوید: من تنها پاداش از کسی می‌خواهم که راهی به سوی خدا می‌جوید.

و در مورد سوم می‌گوید پاداشی را که از شما خواسته‌ام برای خود شما است.

و سرانجام در آیه مورد بحث می‌فرماید مودت به قربی پاداش رسالت من است، یعنی من پاداشی از شما خواسته‌ام که نفعش عائد من نمی‌شود، بلکه صد در صد به سود خود شما است، و چیزی است که راه شما را به سوی خدا هموار می‌سازد. روشن است که هموار بودن راه رسیدن به خدا با ادامه خط مکتب پیامبر (ص) به وسیله رهبران الهی و جانشینان معصومش که همگی از خاندان او بوده‌اند، ممکن است و پایه این ارتباط مودت به آنها است.

پاسخ به شبهات از نگاه اهل تشیع

تا بدین جا ثابت شد که بر اساس آیه مورد بحث، مودت اهل بیت پیامبر که همان ائمه اطهار علیهم السلام هستند، بر تمام مسلمانان لازم است. حال نوبت به پاسخ‌گویی به شبهاتی رسیده است که برخی بر دلالت این آیه وارد کرده‌اند.

مکی بودن آیه مودت

برخی از مفسران و دانشمندان اهل سنت دلیل عدم نزول آیه در شأن عترت را مکی بودن سوره «شوری» دانسته و گفته‌اند: آیه مودت در مکه نازل است و در آن زمان علی(ع) و فاطمه(س) عقد ازدواج نکرده بودند. بنابراین حسن (ع) و حسین (ع) به دنیا نیامده بودند تا آیه مودت در شأن آنان نازل شده باشد. (عابدی/۱۳۸۴/ص ۱۶۷)

پاسخ

سوره شوری از سوره‌های مکی است، اما آیه مودت و سه آیه پس از آن مدنی هستند. این را تعداد زیادی از مفسران اهل سنت بیان کرده‌اند. ضمن آنکه از ابن عباس و قتاده نیز چنین نقل کرده‌اند: «این سوره مکی است مگر چهار آیه آن که در مدینه نازل شده است که اولین آنها آیه «...قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» است.

تقاضای اجر خلاف سنت پیامبران

طلب اجر پیامبر اکرم(ص) خلاف سنت پیامبران الهی است، زیرا همه پیامبران (مانند نوح، هود، صالح و...) یک صدا گفته‌اند: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۱۰۹) «من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.» پیامبر ما، از همه پیامبران برتر است. پس به طریق اولی اجر نخواستہ است.

پاسخ

هیچ یک از پیامبران الهی از مردم در مقابل رسالت اجری نخواستہ‌اند. خود پیامبر اکرم(ص) نیز بارها پیشنهاد مالی کافران در ابتدای بعثت و پیشنهاد انصار را پس از هجرت رد کرده است. از اینجا روشن می‌شود اجری که پیامبر اکرم(ص) از مردم خواسته، غیر از اجری است که پیامبران حتی خود پیامبر خدا(ص) بارها آن را رد کرده‌اند و آن اجر مادی و دنیوی است، ولی اجری که پیامبر اکرم(ص) در عوض رسالت خواسته، اجر معنوی است که نفعش به خود مردم برمی‌گردد، چنانچه آیه قرآنی به این مطلب اشاره کرده است: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ أَنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ...» «بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست اجر من تنها بر خداوند است»

طلب اجر سبب تهمت به پیامبر اکرم (ص)

تقاضای اجر، پیامبر اکرم (ص) را در معرض تهمت قرار می‌دهد، زیرا درخواست اجر برای ادای یک وظیفه، برای افراد معمولی شایسته نیست، چه رسد به پیامبر اسلام.

پاسخ

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که:

-اولا اجر به دو نوع حقیقی و مجازی است، اجر حقیقی، همان اجر عرفی و مادی است که در مقابل کاری داده می‌شود، ولی اجری که در آیه مودت آمده است، از قبیل نوع دوم می‌باشد، پس اشکال وارد نیست.

به دیگر بیان، مقصود از اجر رسالت، ارجاع مردم به اهل بیت در اخذ معارف دینی و هدایت است و نفع آن به هیچ صورت به پیامبر اکرم (ص) یا اهل بیت (ع) بر نمی‌گردد. بلکه خود مردم سود می‌برند، از این رو دیگر پیامبر در معرض تهمت قرار نمی‌گیرد، اشکال در صورتی وارد است که اجر به معنای مال دنیا فرض شود، ولی اینجا امر مادی در کار نیست.

افزون بر آن، خطاب آیه به مؤمنان است، که پیامبر اکرم (ص) را معصوم از خطا می‌دانند، از این رو تهمت زدن به ایشان معنا ندارد.

- ثانيا به فرض که در اینجا پیامبر اکرم (ص) در معرض تهمت قرار گیرد، در دیگر احکام (خمس، انفال، اطاعت و...) که به طور مطلق یا بخشی از آن به پیامبر اکرم (ص) اختصاص دارد، چه می‌کنید؟ افزون بر آن، برای روایات متعددی که در کتب فریقین آمده و آیه را به اهل بیت تفسیر کرده، چه توجیهی دارید؟ (طباطبایی/۱۳۷۵/ج ۱۸/ص ۶۷)

جلوه عشق در عالم و آدم

گرچه عشق در تمام شئون هستی جریان دارد اما در انسان هایی که چراغ قلبشان به انوار ایمان از همه بیشتر روشن شده است جلوه ای خاص دارد. زیرا انسان وقتی ایمانش فزونی پیدا می کند، عشق به جمال و کمال مطلق پیدا می کند و چون فطرتا زیبایی را دوست دارد، هر اندازه در بندگی بهتر بکوشد، پرتو جمال حق و اسمای حسناى او بیشتر برایش رخ می نمایاند. با آن تجلیات جان او گداخته شده و آتش عشق در تنور قلب او شعله ورتر می شود. در نتیجه، مجذوب تر و عاشق تر می شود. لذا تلاش می کند از ره آورد وحی و گفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) در همه ی مراتب ظاهر و باطن پیروی کرده، محبت

اولیای الهی را در اعماق جان خود نفوذ دهد. چون آنان کاملترین جلوه‌ی حق هستند و عشق به آنان می‌تواند سالکان راه وصال را به معشوق حقیقی شان برساند. البته جای تردید نیست که جمال الهی از ورای تمام پدیده‌های هستی جلوه‌گر است، اما آنچه که بیش از هر چیز دیگری انسان را به محبوب حقیقی نزدیک می‌کند، عشق به انبیاء و اولیای الهی است که انسان کامل هستند چون انسان کامل به تعبیر حکیم سبزواری مظهری است که فانی در ظاهر شده است (سبزواری، تعلیقه بر اسفار، ج ۲، ص ۷۷).

نتیجه

عشق در معرفت دینی و عرفان اسلامی مانند رشته‌ای سخت و محکم است که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و حتی دیدگاه‌های تربیتی را به هم پیوند می‌زند. در واقع عشق معرفت‌آفرین است. انسان به وسیله عشق می‌تواند به معرفت، به ویژه شناسایی‌های حقیقی که تعلق به سپهر وحدت دارند مایل شود و البته بدون مرشد و الگو قدم گذاشتن در این راه ممکن است رهرو را در مسیر پیچیده و پر خطری قرار دهد بنابراین ضروری است دست پر مهر انسان کامل را که همانا پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هستند رها نکند.

تحلیل و استنباط از منابع ذکر شده در این تحقیق مؤید این است که در تفسیر آیه مودت، مفسران اهل تسنن و مفسران اهل تشیع در مصداق «مودت» عشق به اهل بیت در بین آحاد مسلمین از همه فرقه‌ها را متحد القول هستند ولی در مورد «قربی» اغلب مفسرین اهل تسنن آن را خویشاوندی و اجر رسالت پیامبر (ص) و حفظ رابطه خویشاوندی با او و مورد حمایت قرار دادن و عدم آزار و اذیت ایشان در امر تبلیغ رسالت تفسیر نموده‌اند.

اما تمام مفسران شیعه با استناد به قرآن و روایات صحابه و تابعین و نیز روایات منقول از اهل بیت (ع) و برخی از منابع معتبر روایی اهل سنت مانند صحیح بخاری و سنن ترمذی و دلایل عقلی دیگر، به نقد آرای اهل سنت پرداخته و معتقدند که اجر رسالت پیامبر باید چیزی باشد که با مقام رسالت و تبلیغ دین هم‌شأن و همسو باشد تا بتواند به عنوان پاداش آن قرار گیرد. از این رو، قربی را به اهل بیت پیامبر (ص) تفسیر کرده و معتقدند که مودت آنان به معنای پذیرش ولایت اهل بیت پیامبر و در حقیقت تداوم خط رهبری

آن حضرت است. قبول این ولایت همانند نبوت پیامبر(ص) سبب سعادت انسان‌هاست و نتیجه‌اش به خود آنها برمی‌گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

متقی، علی بن حسام الدین (۸۸۸-۹۷۵ق) کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، جلد ۱، بیروت دارالاحیاء التراث الادبی

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴). میزان الحکمه، جلد ۲، قم، انتشارات دارالحدیث،

ناظم زاده قمی، اصغر. (۱۳۸۷). جلوه های حکمت، قم، بوستان کتاب

سبزواری، ملا هادی، تعلیقه بر اسفار، جلد ۲، چاپ مهر، انتشارات مصطفوی

سید رضی، محمد حسین شریف. (۱۳۹۸). نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی

فرهنگی

شجاعی، محمد. (۱۳۷۹). طریق عملی تزکیه، جلد ۲، سروش، چاپ سوم،

شمشیری، بابک. (۱۳۸۵ ش). تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، کتابخانه طهوری، تهران

طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). (۱۳۵۲). مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، جلد ۲۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه

اصفهان‌نی، راغب. (۱۳۷۴). ترجمه مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، جامع التفاسیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸). العین، جلد ۴، بیروت، مؤسسه الاعلمی

زمخشری، محمود (بی تا). (۱۳۸۹). جلد ۱، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

فرات الکوفی، ابی قاسم فرات ابن ابراهیم. (۱۴۱۰ ق). تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر

نیشابوری، حاکم محمد بن عبدالله. (۳۲۱-۴۰۵ ق). المستدرک، دارالکتب العلمیه ۱۴۲۲ بیروت

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان عن تأویل القرآن، بیروت، دارالمعرفه

فخر الدین رازی، محمد. (۱۴۰۵). مفاتیح الغیب، دارالفکر، بیروت

حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱). شواهد التنزیل، تحقیق: شیخ محمدباقر محمودی سلمی، محمد بن حسین، حقائق التفسیر. (۱۳۶۹). جلد ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

عابدی، فداحسین. (۱۳۸۴). تفسیر تطبیقی آیه مودت، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی

طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۵). المیزان، جلد ۱۸، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم

قرطبی، صمد بن احمد انصاری. (۱۴۱۴). احقاق الحق، بیروت، دار الفکر

نجارزادگان، فتح‌الله. (۱۳۸۳). تفسیر تطبیقی، قم، مرکز جهانی علوم اسلام

آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵). روح المعانی، بیروت، دارالمکتب العلمیه.